



ملاهای خودرو

در اتحاد شوروی

اندام می کند که می خواست زندهای مسلمان گرجی را که در ایران ازدواج کرده بودند به زیر چتر سفارت روس بکشد که با قیام خونین مسلمانهای ایران مواجه گردید و روحانی مبارز ایران حاج شیخ مجتهد مردم را برانگیخت و مردم به سفارت روس حمله بردند و عوامل سفارت را کشتند .

استعمار غرب هم از روحانیت مبارز اسلامی دلی بر خون دارد ، از سید جمال الدین اسدآبادی ، میرزای شیرازی ، کواکبی ، ابن بادیس ، کاشانی ، شیخ فضل الله نوری ، مدرس و سرانجام رهبر عظیم و جاوید اسلامی ، حضرت امام خمینی . تلاش شرق و غرب از دیرباز ، محور روحانیت بود و آنتاتورک و رضاخان و محمدرضاخان در این باره تلاشها کردند ولی نتوانستند این چشمه خروشان را فروشانند و اکنون روسها برای درهم کوفتن قدرت روحانیت آزاد تلاش فراوان دارند تا شاید با محور روحانیت و گسترش تبلیغات الحادی بتوانند اسلام را که پس از هفتاد سال حاکمیت نظام مارکسیستی سر برافراشته سرکوب سازند و این نور را خاموش کنند .

برنامه های رادیو تلویزیونی شوروی بطور مداوم ، مجری تبلیغات ضد روحانی است و مخصوصا در جمهوریهایی مسلمان نشین نمایشهای مسخره ای از روحانیت به روی پرده می آورند و آنها را دزد و مفتخوار و فاسد و شهوتران نشان می دهند . البته آخوندهای مزدور و برخی شیخ الاسلامهای جیره خوار را هم برای اغفال عوام

استاد فخرالدین حجازی

خطری که اکنون اتحاد شوروی را به وحشت افکنده ، حرکتیهای اسلامی در جمهوریهایی مسلمان نشین اتحاد شوروی است که به وسیله روحانیون مبارز و آزاد آن سامان صورت می پذیرد . این روحانیون مبارز ، عناصر آزاد و مسئولی هستند که خارج از تشکیلات مزدورانه ، آخوندهای جیره خوار کمونیسم و شیخ الاسلامهای مرفه و دست آموز سازمان مخوف " کا.گ.ب " تضاد اسلام و نظام الحادی مارکسیسم را درک می کنند و برای آزادی مسلمانان شوروی می کوشند . این روحانیون آزاد و مبارز را روسها (ملاهای خودرو) می نامند و وجود آنها را خطری برای حکومت الحادی خود می دانند .

به نقل از روزنامه " پراودا شماره " دوم ژوئیه ۸۳ مطابق ۶۲/۴/۱۱ " کمونیستها مسائل مربوط به اجرای تصمیمات پلنوتوم کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی را مورد بررسی قرار دادند ، مهمترین مسئله موضوع تربیت و ساخت انسان جدید از نظر ایدئولوژیکی است که بوسیله پلنوتوم جزو اهداف درجه اول اعلام شده است .

موضوع تربیت الحادی بسیار مهم است . در این باره باید اقدامات جدی بعمل آید . در این زمینه مشکلات زیادی داریم ، در جمهوری ترکمنستان بیش از سیصد روحانی خودرو و غیر قانونی فعالیت می کنند . زمینه و محدوده فعالیت آنها در درجه اول امکان به اصطلاح مقدس است ، برای مبارزه با جان گرفتن گذشتهها باید از تربیت الحادی غافل نشد و از تجارب بزرگترهای کالخورها و غیره استفاده کرد ، رسانه های گروهی مخصوصا مطبوعات در این اواخر به این پدیده ها کمتر توجه می کنند و باید توجه بیشتر مبذول دارند "

روسها قبلا هم از روحانیت رشید اسلامی در ایران ضربه خورده اند ، اکنون در مسکو در یکی از میدان های مقابل ایستگاه مترو ، مجسمه " قدبلند گریبایدوف سفیر مقتولشان در ایران ، عرض

تربیت می کنند که مراسم مذهبی را به سود نظام الحادی حاکم اجرا کنند و در خطبه های خود بگویند "اسلام با مرام کمونیستی تضادی ندارد!!"

یعنی خدائی با بی خدائی و وجود با عدم یکسان است. بلی، این هم درسی است از تضاد دیالکتیکی مکتب مارکسیسم که با حرف خودشان هم چنین ادعائی مغایرت دارد.

ولی با وجود هفتاد سال مبارزه با اسلام و روحانیت، نتایج ترویج مرام ضد خدائی مارکسیسم و مغزشوئیهای فرهنگ مادی نتیجه ای معکوس ببار آورده و اسلام باز هم در حال آتشفشان است.

مسجد مسلمانان در مسکو در روز جمعه مالا مال از نمازگزاران است اگرچه امام جمعه در خطبه اش "اللهم انصر الاسلام والمسلمین" را آهسته و جویده می گوید و "اللهم اخذل الکفارو المنافقین" را اصلا نمی خواند. کتب مذهبی در کتابفروشی های دست دوم خرید و فروش می شود، رونویس کتابهای دینی در جلوی کتابفروشی ها به قیمت زیاد و بطور قاچاق فروخته می شود، در نزدیکی فروشگاههای گاردستی براحتی می توان عکسهای مذهبی را خریداری کرد، مراسم مذهبی مسلمین و مسیحیان در روزهای یکشنبه و جمعه و اعیاد برگزار می شود.

با اینکه آقای انگلس، ازدواج و تشکیل خانواده را یک عمل ناشی از تعصبات قبیله ای می داند و معتقد به لزوم روابط آزاد است، صدها اتومبیل تزئین شده، عروس و داماد را دیدم که در کنار رودخانه مسکو اجتماع می کنند و پس از ثبت ازدواج، برای انجام مراسم عقد مذهبی به مساجد و کلیساها می روند و بچه های مسلمان بعنوان انجام یک عمل بهداشتی ختنه می شوند، مخارج اماکن مذهبی را مؤمنین تامین می کنند ولی حکومت هم سهمی بر میدارد.

در باکو علیرغم آنهمه تلاشهای ضد اسلامی که صحت سال است با نهایت خشونت ادامه دارد، علاقه به اسلام بانمونه های بارزی به چشم می خورد، مسلمانهای آذربایجان شوروی می گفتند ما افطار و سحری خود را با صدای رادیو اردبیل برپا می داریم و اسال ماه رمضان، چنان مساجد شهر از انبوه جوانان پر بود که رئیس آموزش و پرورش آذربایجان دست بدامان پلیس شد و آن اجتماعات را برهم زد، در ایام عاشورا مراسم عزاداری در شهرها

وروستاها با عظمتی بی سابقه برپا می شود و همه جا تعطیل است. دو جلد تفسیر ترکی البیان با قیمت هشت هزار تومان خرید و فروش می شود، دلپای مردم برای یک جلد قرآن بر میزند ولی یافت نمی شود ولی کتابهای مارکس و لنین فراوان است و مشتری ندارد.

در ۲۴ کیلومتری شهر باکو زیارتگاهی است که مسلمانان مستأصل از جو عفن کفر و الحاد به آنجا پناه می برند تا نفسی تازه کنند. زنهای چادری و دختران جوان روسری دار با نهایت اخلاص وارد زیارتگاه می شدند و در برابر بنجره ای که مشرف بر مقبره بود زانو می زدند و اشک می ریختند و نمی دانم دخترهای جوانی که در مدارس مارکسیستی برضد اسلام مغزشوئی و تبلیغ شده بودند چگونه در این مکان مقدس دست به در و دیوار می کشیدند.

روسها با اینکه می گویند در اتحاد شوروی مذهب آزاد است تبلیغات مذهبی را ممنوع کرده اند و در مقابل، علیه مذهب با تمام قوا تبلیغ می کنند، مساجد را تبدیل به موزه ها و مراکز لهو و لعب کرده و تکابارا مبدل به مراکز فرهنگی خودشان ساخته اند ولی همان چند مسجد باقی مانده با نهایت صلابت برپا است، دعای فرج امام زمان بر دیوار مسجد تازه پیر یا کو تجلی و معنی خاصی داشت و همان علمها و عمارتها و پنجه ها و علامتها همچنان برپا بود و جوانها قرآن و نماز می خواندند و سجاده ها با مهر و تسبیح گسترده بود.

کمونیستها حتی در کتابهای درسی هم برضد اسلام تبلیغ می کنند و می نویسند که "محمد (ص) تاجر سرمایه داری از خاندان اشراف بود که برای حفظ منافع سرمایه داران در مکه قیام کرد و دین تازه ای پدید آورد!!"

وقاحت را ببین که چگونه تاریخ را تحریف می کنند و بیامبر فقیری را که با سرمایه دارانی چون بولشوی و بوسفیان و پادشاهانی چون پرویز و هراکلیوس در تمام مدت رسالتش جنگیده است

روسها با اینکه می گویند در اتحاد شوروی مذهب آزاد است، تبلیغات مذهبی را ممنوع کرده اند و در مقابل، علیه مذهب با تمام قوا تبلیغ می کنند مساجد را تبدیل به موزه ها و مراکز لهو و لعب کرده و تکابا را مبدل به مراکز فرهنگی خودشان ساخته اند ولی همان چند مسجد باقی مانده با نهایت صلابت برپا است.

اینگونه معرفی می کنند .

ولی بهر حال معنویت را نمی توان شکست و روح و وحی و خدا و معاد را نمی توان محو کرد و خورشید را نمی شود با دهان خاموش ساخت و اینک حتی خود دانشمندان الحادی هم دارند علیرغم میل خود به این حقیقت اعتراف می کنند .

در دانشگاه مسکو با پروفیسور مشهور انسان شناس شوروی که مسئول دانشگاه بود مسائلی طرح شد که نمایانگر همین حقیقت است . به ایشان گفتم : شما که دانشمندی انسان شناسیدوسی هزار دانشجویا تربیت می کنید ، انسان را چگونه می شناسید (یک ماشین ، یک حیوان با نیازهای مادی و بعد طبیعی یا عمق و بعد دیگری هم دارد؟ انسان شما انسان حقیقی است یا انسان غربیها با انسانهایی که خارج از این دو بلوکند و مکاتب دیگری دارند؟

میخواست طفره برود وگفت ما جوانها مان را بر اساس آزادی و عدالتخواهی تربیت می کنیم ، گفتم آیا آنها سواي درس و کار و زندگی مادی و التذاذهای جسمی نیاز دیگری ندارند؟ آیا آنها غیر از مسیر خانه بعدرسه و کارخانه به حزب مسیر دیگری را نمی جویند؟ خواست دیگری ندارند؟ التهای احساس نمی کنند؟

کمیودی ندارند؟ و صریحا گفتم حقیقتی کم شده ندارند؟ به چیز دیگری جز آنچه می بینند نمی اندیشند؟

گفت . شما خیلی پیچیده و مرموز حرف می زنید گفتم می خواهم از شما پروفیسور انسان شناس چیزی بیاموزم . چشمانم به او خیره شده بود ، او در میان چند نفر دیگری که در کنارش نشسته بودند ساکت مانده بود . من در دل از خدا استمداد می جستم ، بالاخره سرش را بلند کرد ، چهره اش می درخشید ، چشمانش روشن بود ، لبخندی بر لبانش پدیدار شد .

روحش از بندها رها شد و سرانجام گفت " بله ، جوانهای ما نیازهای روحی هم دارند " فاتحانه تکان خوردم و جابجا شدم ، خدا یا چه می شنوم اعتراف به حقیقت ... اعتراف یک انسان شناس شوروی به آنچه که نظام کمونیسم و فلسفه مارکسیسم آن را نفی می کند ، بله روح ... نیازهای روحی ...

دهانم باز مانده بود و با چشمانم التماس می کردم که باز هم بگوید و او گفت: " در پی نیاز روحی جوانان هستم تا عدالت در آنها ریشه بدواند و از این جوانان و از این ایده آلهای باید دفاع کرد "

کار به اینجا پایان نیافت و او گفت : از شما دعوت می کنم که بمائید در دانشگاه در باره نیازهای روحی جوانان صحبت کنید . ترسم فرو ریخته بود و از اسلام گفتم که پاسخگوی نیازهای روحی است و از دانشگاههای خودمان که چگونه با انقلاب فرهنگی زنجیرهای فرهنگ غرب را از مغزهای دانشجویان گسیخت و آزادشان ساخته و از خدمات اسلام به فرهنگ انسانی .

باز هم منصفانه سخن آمد و گفت: " اسلام بدون شکی از ادیان بزرگ جهانی است ، دین اسلام برای بشریت هدایایی آورده و فلاسفه و دانشمندان و شعرا و نویسندگانی که همه باعث غرور بشریتند ، ادبیات شما فوق العاده حالب است ، ما ارزش بسیاری برای آن قائلیم ، ما تلاش می کنیم که جوانان را چنان تربیت کنیم که به ادبیات و سنن دیگر کشورها احترام قائل شوند ما خوشحال می شویم که شما برای دانشجویان ما صحبت کنید . مسلما سخنان شما برای جوانان ما جالب خواهد بود و ما هم با کمال میل گوش می کنیم " .

نفسی براحث کشیدم و برخاستم و فهمیدم که بهبودی برای اسلام جوش میزند " وللبیت رب یحمیه " اگر اینها با بعب و توب و موشک و تانک ، اسلام را می گویند ، اسلام در بزرگترین مراکز علمی و فکری و در قلب جوانان آرمانخواه و تشنه معنویت جوانه می زند و روزی که چندان دیر نیست از کانون کفر و الحاد جهانی برمی خیزد و منفجر می شود و الفجرهای بیایی ، دزهای کفر و نفاق را درهم می گوید .

ملاهای خودرو که بحقیقت خودروی و خدا جویند با قلم و شمیر ، قرنیا جنگیده و در برابر هیچ قدرتی جز خدا سر فرود نیاورده اند ، پس به کمونیستها باید گفت :

از همین جهت است که شما و دوستان آمریکائی پلیس و جنایتکاران لیبیا تیز حمله تان را متوجه روحانیون بزرگ و مبارز می کنید و آنها بدست مزدوران خارجی در محرابهای عبادت بشهادت می رسند ، چون نقطه حساس خطر را درک کرده اید ولی کار از کار گذشته و مسلمانها در فلسطین و لبنان و افغانستان و فیلیپین و مصر و سودان و تونس و مراکش و دیگر سامانها برهبری روحانیون اصیل و مبارز برخاسته اند ، و این آتش مقدس در جمهوریهایی مسلمان نشین شوروی هم در حال اشتعال است و شماها چون مرکز این انقلاب را ایران میدانید به تقویت هر چه بیشتر رژیم بعثی عراق می پردازید که شاید این آتش مقدس را خاموش سازید ولی دیروز خواب برخاسته اید و این آتشفشان که از فجرهای بیایی میتوفد ، دیگر قابل مهار نیست ، زیرا بیچه مدرسه های بیبیهان که در موشکبارانهای شما سر بمصر سرخین خون نهاده اند بیبیه " مسلمانان جهان درس داده اند که تا حقیقت " لیبظهره علی الدین کله " تحقق نیاید ، دست از مبارزه برندارند .

الا ان نصرالله قریب